

نگاه

«به فرخندگی سوم خرداد سالروز آزادسازی خرمشهر»

«خون به دل کردند دشت و نهر را

یازگرداندند خرمشهر را

- اشکان زارعی**: چهارم آبان سال ۵۹ وقتی سربازان عراقی به خرمشهر دست یافتند، خودپسندانه بر دیوارهای این شهر نوشتند: «جننا لبثقی، امدیهام که بمائیم»، عراق از هنگام روی‌کارآمدن عبدالکریم قاسم بر پایه اندیشه پان‌عریسم، خوزستان را همواره بخشی از جهان عرب می‌دانست. اینک صدام حسین سرمست از پیروزی‌های به‌دست‌آمده، خود را از آستانه رسیدن به آرزوهای خیالی می‌دید. چنانکه روزنامه الانوار عراق نوشت: «محمره سرزمین اجدادی است و نیروهای مسلح ما، آن شهر را برای ابد بازپس گرفته‌اند». شاید صدام حسین فراموش کرده بود که عراق کنونی به‌عنوان کشوری آزاد از سال ۱۹۳۲ میلادی پایه‌گذاری شد و تا پیش از آن، علاوه بر ایرانیان، خلفای اسلامی، ایلیخان مغول، عثمانی و انگلستان در آنجا فرمان رانده بودند. چنان‌که از روزگار کورش هخامنشی این کشور بخشی از قلمرو ایران به شمار آمده، تیغسوز در نزدیکی بغداد، ۶۰۰ سال پایتخت اشکانیان و ساسانیان بوده است. پس از اسلام نیز برخی از شهرهای کردشین عراق و گاه بصره در دوره صفویه، افسشاریه و زندیه تا محمدشاه قاجار بخشی از خاک ایران بوده‌اند. ازاین‌رو بغداد، بصره، انبار و رودهای دجله، فرات و زاب نیز ناهمای پارسی هستند. شاید رئیس‌جمهور عراق تاریخ را نخوانده بود. خوزستانی که از ۵۰۰ پیش از میلاد نام آن در سنگ‌نبشته‌های آپادانای شوش، بیستون، نقش رستم، تخت جمشید و عکبه زرتشت آمده است، چگونه می‌تواند سرزمین نیانکای او باشد؟ بی‌گمان صدام حسین مردم ایران را نیز به‌خوبی نمی‌شناخت که هیچ پیکانه‌ای را نگذاشتند بر خاک آنان «تا ابد» ماندگار و پایدار باشد. چنان که یونانی‌ها، خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس و مغولان، «آمدند»، اما هنگام «رفتن» همانی نبودند که آمده بودند، زیرا در کشور فرهنگ ایرانی گداخته شده، ایرانی شده و با شکست نیز رهسپار شدند. همان‌گونه که سردار نگون‌بخت قادسیه و سربازانش در سوم خرداد سال ۶۱ پس از ۵۷۵ روز در پی عملیات «الی بیت‌المقدس» با خاوری و سرافکندگی از خرمشهر بیرون رانده شدند و البته پیش‌تر نیز در دهلاویه، بستان و سوسنگر شکست خورده بودند.عملیات الی بیت‌المقدس در ۱۰ اردیبهشت سال ۶۱ آغاز و پس از ۲۳ روز با آزادسازی هویزه، خرمشهر و دورکردن شهرهای اهواز و موسستگرد از برد تیپخانه ارتش عراق به پایان رسید. در این کارزار از ۱۹ لشکر و ۱۹ تیپ عراق بیش از ۱۶ هزار نفر کشته و زخمی و ۱۹ هزار نفر دستگیر شدند. این شکست آن چنان برای صدام سخت بود که او بسیاری از افسران عراقی مانند، صلاح القاضی، فرمانده لشکر سوم را اعدام کرد. خرمشهر تا پیش از جنگ ایران و عراق سه بار دیگر به دست بیگانگان افتاده بود.نخستین‌بار سربازان عثمانی در سال ۱۲۵۳ م‌هی این شهر را غارت و ویران کردند. ۲۰ سال بعد در سال ۱۲۷۳ م‌هی این‌بار ناوگان دریایی بریتانیا، سربازان خاتلمیرزا، فرمانروای وقت خوزستان را شکست داده، به خرمشهر دست یافتند. در شهریور، ۱۳۲۰ خورشیدی نیز در پی جنگ جهانی دوم ارتش انگلستان یک‌بار دیگر از هوا و دریا به این شهر یورش آورد.صدام حسین در حالی از محمره سخن می‌گفت که این نام برای نخستین‌بار در سال ۱۳۴۲ هجری قمری به دست شیخ غیث آل‌رکعب بر سر زبان‌ها افتاد و پیشینه آن بیشتر از ۲۰۰ سال نبود. به گواه تاریخ، بنیاد این شهر در پنج هزار سال پیش از میلاد با نام «تازیته» به دست استیلانی‌ها گذاشته شده است. پس از آن، اگپتیس هخامنشی، آنتیوش سلوکی، استراباد اردشیر و بارمای ساسانی، محرزه و محمره دوره اسلامی ناهمای گوناگون این شهر در هزاره‌های گذشته بوده‌اند.بی‌گمان از میان همه نام‌هایی که این بندر کوچک اما هزاران ساله داشته، خرمشهر برانده‌تر و شناسه‌شتر است نه آزان‌رو که «خرمی» آن نشان از سرپیزی است که می‌تواند نماد استواری و ماندگاری آن در برابر تندبادهای تاریخ و تاخت‌وتاز بیگانگان باشد. سوم خرداد می‌آید تا فراموش نکنیم برای پاسداری از این خاک ستمدیده، جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌های بسیار شده و خون‌های زیادی ریخته شده است. «تمامیت ارضی» تنها به چم «معنای» آب و خاک نیست که نام استان‌ها، شهرها و آب‌ها نیز در جرگه «تمامیت ارضی» به شمار می‌آیند.سوم خرداد به ما یادآوری می‌کند که هیچ بخشی از این سرزمین اهورایی جدانشدنی نیست و خوزستان، خرمشهر، آبادان، هویزه سوسنگرد، اروندرود و… نیز ناهمای جاودانه هستند.

شرق؛ مهسا جزینی: دوم خرداد ۷۶ هیچ تأثیری بر گفتمان اصولگرایی یا جناح راست آن زمان نگذاشته باشد، حداقل تأثیرش این بوده که بر زمین مقتدر آن ترک انداخته است. جریان سنتی جناح راست مانند مؤتلفه و جامعه روحانیت مبارز و چهره‌های اثرگذار آن را یا به عقب رانده یا به سوی خود کشانده است. تضعیف راست سنتی و سربرآوردن جریان‌های نواصولگرا از نتایج ناخواسته دوم خرداد بود. اصولگرایی از آن زمان دچار تشتت شد و این واگرایی تا هنوز ادامه دارد.

۲۱ سال پیش هیچ‌کس فکشرش را هم نمی‌کرد که ناطق‌نوری و محمد خاتمی نماز مغرب و عشاء دوم خرداد ۹۷ را کنار هم بخوانند؛ آن هم به اامت جماعت ناطق و بعد هم کنار هم بر سر یک سفره افطار کنند. این البته فقط یک میهمانی نبود که در وقیب قدیمی را اتفاقی کنار هم بنشانند. ناطق و خاتمی در سال‌های گذشته هم در میهمانی مشابهی در کنار هم دیده شده بودند. ناطق سال ۷۶ در جناح راست گل سرسید بود، اما ۲۱ سال بعد با اصلاح‌طلبان افطار می‌کرد. این هشتنیش بی‌شک از نتایج دوم خرداد ۷۶ بود که باعث شد ناطق‌نوری کم‌کم از هم‌فکران اصولگرایی کناره بگیرد و به اصلاح‌طلبان نزدیک شود. جالب است که وقتی سال ۹۲ جامعه مهندسین، یکی از تشکل‌های اصولگرا، از ناطق برای شرکت در افطاری دعوت کرد که ناطق نپذیرفت، اما درست یکی، دو روز بعد در میهمانی افطاری عارف حضور یافت. ناطق‌نوری بعد از آن ناکامی ۷۶ گفت که دیگر وارد گود انتخابات نمی‌شود و ترجیح می‌دهد مجمع عقلا تأسیس کند و در پشت صحنه سیاست‌گردان باشد. انتظار داشت که اصولگرایان هم زعامت او را به رسمیت بشناسند که نشناختند؛ به‌ویژه که تعریف چنین جایگاهی از سوی جامعه روحانیت مبارز نوعی تگ روی تلقی شد. ناطق سال ۸۴ با شورای هماهنگی نیروهای انقلاب سعی در پیشبرد ایده‌اش داشت اما شکست خورد. ناطق‌نوری در آن سال از دو سمت ضربه خورد؛ هم اصولگرایان و هم احمدی‌نژاد. از یک سو مشخص بود که بقیه اصولگرایان به‌ویژه جامعه روحانیت مبارز که تا آن زمان محور همه انتخابات در جناح راست بود، از اینکه ناطق رأسا وارد شده و چنین مأموریتی برای خود برگزیده بود، از او دلخور بودند. آنها انتظار داشتند این مأموریت همچنان برای جامعه روحانیت مبارز بماند. در همان شورای هماهنگی نیروهای انقلاب هم احمدی‌نژاد برای ناطق شاخ و شانه کشید و گفت که شورای هماهنگی را قبول ندارد.



ناطق هم ایده‌های او را فضایی خوانده بود. بعد هم اصولگرایان به سمت احمدی‌نژاد کوچ کردند. مشایی بعدها گفت آن آقا (ناطق‌نوری) به دنبال این بود کسی دیگر را نامزد ریاست‌جمهوری کند؛ کسی که احمدی‌نژاد اصلا او را به‌عنوان اولگرا قبول نداشت. احتمالا مقصود مشایی، علی لاریجانی بوده است. مشایی گفته بود آنها که مدعی اصولگرایی بودند فرقی با هاشمی نداشتند و سال‌ها به هاشمی دشنام داده بودند برای همین رویشان نمی‌شد از او دفاع کنند. این کشاکش احمدی‌نژاد و ناطق‌نوری ادامه داشت تا سال ۸۸ که تیغ را از رو کشید و در آن منظره معروف علیه ناطق و پسرانش موضع گرفت. اصولگرایان به‌ویژه جامعه روحانیت مبارز در ادامه همان مسیر حمایتی خود از احمدی‌نژاد همچنان در برابر این اتفاق سکوت پیشه کردند و ناطق که دومین ضربه را از هم‌کیشانش خورده بود، کلا ترک جامعه روحانیت کرد.

۲۱ سال بعد از دوم خرداد جامعه روحانیت مبارز هم دیگر آن اقتدار گذشته را ندارد. بعد از دوم خرداد نواصولگرایان تصور کردند علت شکست ۷۶ سنتی‌ها بودند. جامعه روحانیت که زمانی برای مجلس فهرست می‌داد و نامزد ریاست‌جمهوری تعیین می‌کرد، این روزها حتی دیگر اعمال نظر در فهرست‌های انتخاباتی مجلس هم نمی‌کند. بعد از اینکه فهرست اصولگرایان در انتخابات شکست می‌خورد، تازه صدای اعضای جامعه روحانیت درمی‌آید که صا هم از اول می‌دانستیم که این فهرست رای‌آور نیست، اما توان چانه‌زنی نداشتیم! بعد از دوم خرداد اصولگرایان همواره با چند چهره

سیاست

شکاف در اصولگرایان ۲۱ سال بعد از دوم خرداد



وارد عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری شده‌اند و هیچ‌گاه نتوانسته‌اند بر سر یک نفر به اجماع برسند. به‌جای مؤتلفه و جامعه روحانیت این‌روزها جریان‌های نوپا مانند جمنّا، جبهه پایداری، جمعیت ایثارگران و… میدان‌دار جریان اصولگرایی‌اند. شاید دومین‌روست که اخیرا جامعه روحانیت اعلام کرده که اساسنامه‌اش را تغییر خواهد داد، گفته‌اند که موحدی‌کرمانی از دبیرکلی آن کنار خواهد رفت و احتمالا تقوی جانشینش خواهد شد. شاید تصور می‌کنند که تغییرات درون‌سازمانی باعث احیای قدرت گذشته این نهاد شود که بعید است. درون جامعه روحانیت هم این سال‌ها رسما اعضا به دوباره تقسیم شده‌اند؛ جماعتی به طیف فکری مرحوم هاشمی و روحانی نزدیکند و جماعتی مخالفش. این تعارض‌ها رسما خودش را در انتخابات خیرگان، مجلس و ریاست‌جمهوری نشان داده است.

این شکاف در حزب مؤتلفه هم پدیدار شده است. مؤتلفه که همیای جامعه روحانیت مبارز در تحولات جناح راست و انتخابات اثرگذار بود، از بعد از دوم خرداد ۷۶ رو به افول رفت. در دولت احمدی‌نژاد تقریبا هیچ سهمی به مؤتلفه نرسید. در مجالس هم سهمی نداشته است. اختلاف درون مؤتلفه تا جایی بود که جوان‌ترها را به واکنش علیه بزرگان حزب داشت و وقتی حبیب‌الله عسکراولادی گفت مرحبین کروبی را فتنه‌گر نمی‌شناسد، بحث خروجش از حزب برای جلوگیری از تشتت و واگرایی مطرح شد. مؤتلفه نه‌تنها درون جریان اصولگرایی دیگر قدرت گدشته را ندارد، بلکه حتی دیگر از توان اجماعی درون حزبی هم برخوردار نیست. وقتی غفوری‌فرد،

عضو شورای مرکزی این حزب، را درون فهرست انتخاباتی مجلس دهم نمی‌گذارند، بر اعتراض به سهم کم و قدرت پایین مؤتلفه در چانه‌زنی، معترض می‌شود و با فهرستی جداگانه در انتخابات شرکت می‌کند. در انتخابات ریاست‌جمهوری هم جمعی از شورای مرکزی در لحظات آخر از رئیسی حمایت می‌کنند اما نامزد حزبی‌شان اعلام می‌کند که در انتخابات می‌ماند چه حزب پشتش باشد چه نباشد و دست‌آخر هم با رای اندکی رقابت را واگذار می‌کند. اصولگرایان بعد از شکست دوم خرداد تصور کردند که با رقتن به سمت احمدی‌نژاد شکست گذشته را جبران خواهند کرد، اما این توفیق موقت، ناکامی دیگری به بار آورد تا جایی که محبوب آن روزهایشان به اپوزسیون این‌روزهایشان بدل شده است. احمدی‌نژاد زمانی درباره اصولگرایان گفته بود: «با اینکه اصلاح‌طلب‌ها و اغلب رقبای جدی اصولگرایان رد صلاحیت شده و از گردونه انتخابات حذف شده‌اند، اما همین افراد درجه‌سه اصلاح‌طلب و طرفدار دولت هم، اصولگرایان را کلا شکست خواهند داد. اختلاف اصولگرایان فاقد چهره‌های کاریزماتیک در انتخابات است و برخی از نامزدهای آنها نیز امتحان خود را قبلا داده و مردود شده‌اند. دور هم می‌نشینند و فهرست می‌بندند و فکر می‌کنند مردم به آنها رای خواهند داد. اینها اصولگرایی را خراب کرده‌اند. آنها نه شعار دارند و نه برنامه. از نظر من اصولگرایی مرده است و باید خون تازه‌ای در جریان حامی انقلاب دمیده شود».

اصولگرایان این روزها حتی در حال ازدست‌دادن قالیباف هم هستند. تا جایی که برخی تحلیلگران از این‌دم زده‌اند که آیا او قرار است در مسیری که احمدی‌نژاد در پیش گرفته، قدم بگذارد؟ قالیباف کسی است که سه دوره با چراغ سبز اصولگرایان وارد عرصه انتخابات شد، اما چون لحظه آخر بر سر او به توافق نرسیدند، عرصه را باخت. او این روزها به یکی از منتقدان سفت و سخت اصولگرایی تبدیل شده است. حرف از نو اصولگرایی می‌زند و اینکه تصمیم‌گیری در رأس این جریان دچار اختلال شده است. او در گفت‌وگویی اخیرا گفته است: کسانیکه پیش‌کسوت هستند و حس می‌کنند در مرکزیت قرار دارند، احساس می‌کنند نیازی ندارند حرف بقیه را گوش کنند… مثلاً در انتخابات مجلس نهم‌دهم در سال ۹۸ درست است که از تهران برای یک شهرستان نماینده انتخاب کنند؟ حتما مرکزیت اصولگرایی باید به شهرستان‌ها کمک کند، اما نه اینکه از بالا بگوید شما قدرت تشخیص ندارید و ما برایتان تعیین تکلیف می‌کنیم؛ این افراد را بگذارید، بقیه هم نباشند!».

گفته او «نقد کلی نه‌تنها به طیف‌های سیاسی زنان؛ بلکه به ساختار فعالیت اصلاح‌طلبان وارد است. در شرایط کنونی جامعه کمتر بر سر موضوعات روز گفت‌مان‌سازی و بحث و تبادل‌نظر صورت می‌گیرد. این مسئله در جمع‌ها و محافل سیاسی زنان نیز نمود دارد. به‌همین‌خاطر حرف تازه می‌شنویم و فکر جدیدی تولید می‌شود. گویی در تکرار گرفتار شده‌ایم».

هسته مرکزی احزاب زنان

این روزها در آستانه ۲۱سالگی دوم خرداد و پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری، زنان اصلاح‌طلب چهار حزب و تشکل رسمی دارند. جامعه زنان انقلاب اسلامی، انجمن روزنامه‌نگاران زن (رزنا)، مجمع اسلامی بانوان، جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان، جمعیت زنان مسلمان نواندیش و مجمع زنان اصلاح‌طلب و برخی دیگر از تشکله‌ا. اصلاح‌طلبان حالا در حوزه زنان تصمیم تازه‌ای دارند. زهرا شجاعی از بخشی از مراسم افطاری خبر می‌دهد که «چهار حزب و تشکل زنان اصلاح‌طلبان بنا دارد تا در همکاری شاخه‌ها و کمیته‌های زنان احزاب اصلاح‌طلب درباره تشکیل هسته مرکزی زنان اصلاح‌طلب متشکل از احزاب زنان و احزاب اصلاح‌طلب اقدام کند». به این تعبیر بنا است ارتباط سیستماتیک میان زنان اصلاح‌طلب به وجود آید. افطاری مجمع زنان اصلاح‌طلب رو به پایان است. دور و اطراف زنان حاضر در قدرت شلوغ‌تر از همیشه. مجمع زنان اصلاح‌طلب از سال ۸۵ شکل گرفت. در دوره اول شورای هماهنگی بود. دوره دوم از سال ۹۲ آغاز شد که اعضا به صورت عضو حقیقی شرکت کردند و در انتخابات کاندیدا معرفی کردند. در دوره سوم که از سال ۹۴ آغاز شد، رای کسب پروژه فعالیت، تدوین اساسنامه و مرام‌نامه تلاش شد. در نهایت حزب‌شدن مجمع زنان محقق شد و نکته آن با سخنرانی عارف و پیام سیدمحمد خاتمی برگزار شد. انتخابات شورای مرکزی مجمع نیز صورت گرفت.باین‌حال آنچه این‌روزها در قالب نقدهای مهم به تشکلهای اصلاح‌طلبانه به‌ویژه احزاب زنان اصلاح‌طلب وارد است، این است که در این جمع‌ها روابط فامیلی، بی‌توجهی به جوان‌گرایی و تکرار برخی نام‌ها به چشم می‌خورد. زنان اصلاح‌طلب گویی با نیاز و گفتمان این‌روزهای جامعه زنان ایران فاصله زیادی دارند و مشخص نیست این فاصله بنا است چه زمانی پر شود. مجمع زنان اصلاح‌طلب در مساجه به برخی مسائل روز نیز اغلب خنثی و بدون بازتاب و واکنش ظاهر می‌شود. نمونه‌اش نقدهایی است که این‌روزها در جامعه به مباحث مرتبط با حجاب مطرح است و مسائل مطرح‌شده درباره مطالبات شکل‌گرفته به نام دختران خیابان انقلاب. موضوعی که حتی نمایندگان زن اصلاح‌طلب مجلس درباره آن نکاتی را مطرح کرده بودند.

ادامه از صفحه اول

موزه و کارکردهایش

هرچند تمامی دولت‌های بعد از انقلاب به‌ویژه دولت اصلاحات به توسعه فرهنگی اشاره‌ای خاص داشته‌اند و معتقد به نقش موزه‌ها در ایجاد بستری درآم‌زا از یک طرف و نقش احیایر فرهنگ و عامل روش‌نگری در افکار عمومی از این طریق بوده‌اند اما میزان کامیابی آنها در این خصوص نیازمند دقت و تأمل است. امروز وقتی نامی از «دولت» به مفهوم عام آن برده می‌شود، مفاهیمی چون نظم و اداره جامعه در تمامی شئون آن به ذهن متبادر می‌شود و کمتر به جنبه فرهنگ در وظایف دولت اشاره می‌شود. این در حالی است که پرداختن به مقوله فرهنگی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی‌که در ذیل مأموریت دولت‌هاست تا به آگاهی فردی و عمومی جامعه بینجامد.

نقش فرهنگ در تعریف هویت و متعاقب آن شکل‌دهی به رفتارهای فردی، اجتماعی و سیاسی و جایگاه موزه‌ها در این خصوص از مواردی است که دولت‌ها می‌توانند و باید در حوزه‌های گوناگون، گام مؤثری برداشته و بیش‌تاز در معرفی شالوده فکری و اجرایی خویش باشند. این در حالی است که بنا بر تجربه نگارنده در حوزه میراث فرهنگی، دولت‌ها در سال‌های اخیر کمتر از این نقش استفاده کرده و بیشتر زمانی که میدان سیاست در ا قناع افکار عمومی خالی دیده‌اند، صرفا در مقطعی کوتاه به این بخش روی آورده‌اند.

طبیعی است این‌گونه نگاه به مقوله فرهنگ که پراکندگی و پاره‌اندیشی در فصول آموزشی و یادآوری تاریخ کهن ایران را به هم‌راه دارد، هیچ‌گاه در معرفی تمدن ایرانی و دولتی‌با شعار فرهنگی جلوه‌گر نخواهد شد.

ادامه از صفحه ۴

مسائل دشوار ایران

اگر محیط زیست تخریب شود، کشور تخریب می‌شود و سرزمینی که برای حفظ مرزهای آن جان‌ها داده شده است، از داخل مضحمل می‌شود. برنامه و دستورالعمل کشور برای حفظ محیط زیست، کشاورزی و منابع طبیعی چیست و چه مقدار باید برای آن هزینه کند و چشم‌انداز ۱۰ساله آن چیست؟

۵- می‌دانیم بانک یک ایده و ابداع مغرب‌زمینی است و با توجه به نبود پول اعتباری در صدر اسلام، هیچ حکمی راجع به پول اعتباری وجود نداشته‌است. پول اعتباری و بانکداری اعتباری پدیده و تعریف جدیدی است که حکم آن باید روشن باشد. سوارکردن احکام مشارکت‌های اسلامی و بانکداری اعتباری آنها را به مؤسسات بزرگ سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است و از سویی سود منظورشده برای مشتریان به‌هیچ‌وجه با درآمدهای واقعی تطبیق ندارد و بانک‌ها عملا به مؤسسات غیرخدمتگزار صنعت و کشاورزی و تولید تبدیل شده‌اند. آیا وقت آن نرسیده که شجاعانه درخصوص سیستم بانکی که در صورت اصلاح می‌تواند یاری‌دهنده توسعه باشد، اندیشید؟

۶- هزاران طرح نیمه‌تمام در کشور وجود دارد و اعتبارات عمرانی کشور بسیار پابن است. گویانکه دولت اعلام کرده که تکمیل آنها را به بخش خصوصی واگذار می‌کند اما با آیین‌نامه‌های موجود و نوع تحرک حاضر این واگذاری سال‌ها به درازا می‌کشد و شاید هرگز عملی نشود. دولت با همکاری مجلس باید تمهیداتی در جهت واگذاری سریع همه پروژه‌ها مثلا در یک سال و تکمیل آن در مدت معینی ببیندش.

۷- هماهنگ‌نبودن سیاست خارجی با شیوه زندگی داخلی و سیاست‌های داخلی نیز باید مدنظر باشد. دشمنان ما به هر نوع حربهای برای به‌انزواکشاندن و صدمه‌زدن به جمهوری اسلامی روی آورده‌اند؛ جنگ تحمیلی، حمایت از گروه‌های تروریستی داخلی، ایجاد گروه‌های تروریستی علیه ایران مانند القاعده و داعش و تصویب قطع‌نامه‌های تحریم اقتصادی و آخرین آن عمل‌نکردن آمریکا به مفاد توافق‌نامه برجام از جمله اقدامات آنان است. درعین‌حال سیاست‌های داخلی به‌جای آنکه موجب تجهیز و قدرتمندشدن جامعه ایرانی و آمادگی مردم برای پذیرش مشکلات شود، صرف عادی‌سازی و حتی گرایش به زندگی مرفه در جامعه شده تا نشان داده نشود تحریم‌ها در داخل ایران تأثیری نداشته است درحالی‌که این امر باعث نابودی ثروت‌ها و عدم آگاهی مردم از موقعیت ما در جهان شده است. تضاد بین دو سیاست شاید مهم‌ترین عامل در به‌وجودآوردن وضع فعلی اقتصادی و اجتماعی ما شده است. مقامات کشور چه سیاستی را در این مورد دنبال می‌کنند؟ البته مسائل و مشکلات به این هفت بند ختم نمی‌شود و شاید برخی مسائل که ذکر نشده مهم‌تر از این مطالب باشد اما هرچه باشد این مطلب شاید بهانه‌ای را قرار گیرد برای شکستن سکوت دولتمردان و باعث شود مسئولان به راه‌حل‌ها ببیندیشند و با شکستن سکوت خود مردم را در جریان مسائل و تصمیمات قرار دهند.



شرکت سهامی آب منطقه ای البرز در نظر دارد فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای « خرید تجهیزات ودستگاه های سنجش کیفیت آب ویساب طرح جلوگیری از آلودگی آب شرب تهران در محدوده استان البرز » از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید
کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت و تحویل اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی،مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۹۷/۳/۱ می‌باشد.اطلاعات و اسناد مناقصه از طریق سامانه قابل دریافت می باشد.

مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹ مورخ۱۹مورخ۹۷/۳/۱۸

مهلت ارسال پاسخ: تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۹ مورخ ۹۷/۳/۱۸

زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۵ص مورخ ۱۹مورخ ۹۷/۳/۱۹

اطلاعات تماس دستگانه مناقصه گنار: کرج- مهرشهر-بلوار امام خمینی(۵-)روبروی مصلی-خیابان بوستان - شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- کد پستی ۰۶۴۳۳۳۳۳۰۰-۳۲۰۳۲۰-تلفن:۳۱۸۶۷۱۵۹۸

اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:مرکز تماس ۰۲۱.۲۷۳۱۳۱۳۱. دفتر ثبت نام:۰۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۰۸۵۱۹۳۷۸-۰۲۱

شرکت آب منطقه ای استان البرز